مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: جواد دلیری
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ – روابط عمومی
نشانی: تهران خیابان خرمشهر– شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸–۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ و ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: کارا پیام، سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (آتیل رسانه) و رواق روشن مهر

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران
www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۸۹۲–۵

میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۴۰	۳۹	۳۸	۵۲	۴۴	۴۰	۳۹	۳۳
۲۶	۲۸	۲۲	۳۶	۳۱	۲۶	۲۲	۲۵

سخن روز

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

به هر کس، راستگویی در گفتار، انصاف در رفتار، نیکی به والدین و صله رحم الهام شود، اجلش به تأخیر می افتد، روزیش زیاد می‌گردد، از عقلش بهره‌مند می‌شود و هنگام سؤال [مأموران الهی] پاسخ لازم به او تلقین می‌گردد.

اعلام الدین ص ۲۶۵

نـــگاره

هانی انصاری

محمد بسته‌نگار
آغاز: ۱۳۲۱ - انجام: ۱۸ تیر ۱۳۹۷

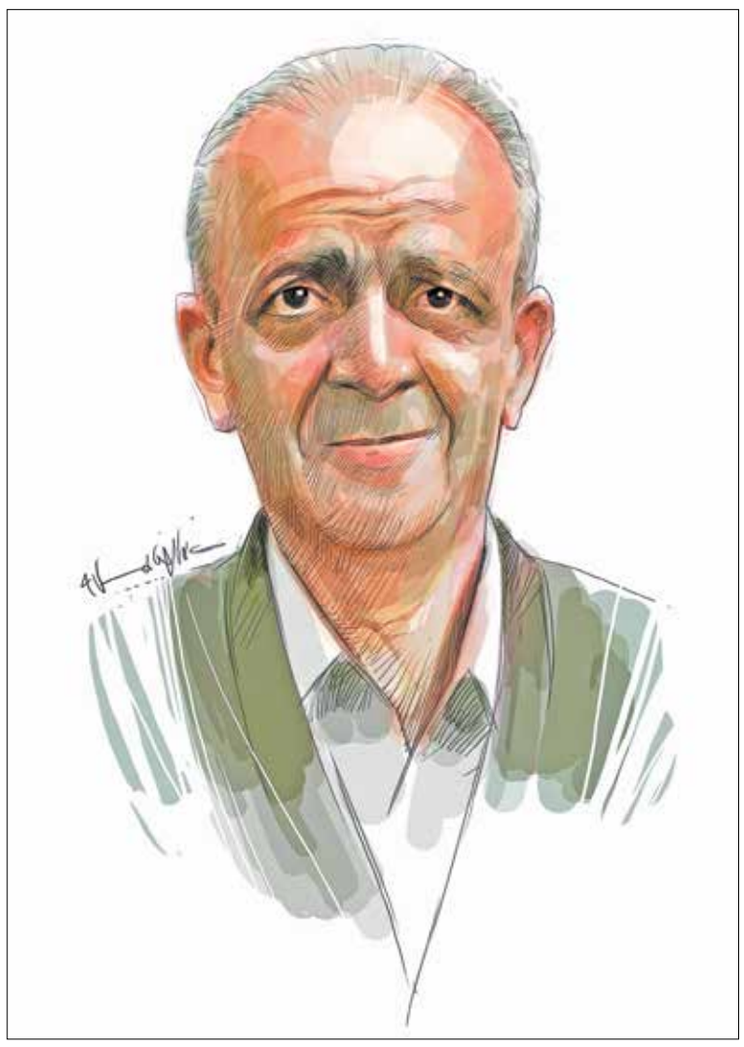

محمد بسته‌نگار فعال سیاسی پیشکسوت درگذشت

عمری در هوای مردم و آزادی

یـــاد

محمدمهدی جعفری
نویسنده و فعال سیاسی

من سال ۱۳۴۰ از شیراز به تهران آمدم و در قالب عضویت در انجمن‌های اسلامی دانشجویی با چهره‌های بسیاری آشنا شدم از جمله مرحوم محمد بسته‌نگار که آن زمان دانشجوی حقوق بودند و از همان سال‌ها ارتباط ما با هم آغاز شد. پس از آن نیز عضویت در نهضت آزادی ایران و انجمن اسلامی باعث آشنایی و ارتباط بیشتر ما طی دیدارهایی که در جلسات با هم داشتیم شد. اگر چه ایشان دانشجوی حقوق بودند و من در دانشسرای عالی تحصیل می‌کردم اما ما مدام یکدیگر را در کمیسیون‌های دانشجویی و شب‌های جمعه در «مسجد هدایت» می‌دیدیم و دوستی و آشنایی ما با یکدیگر ۵۷ سال تمام به طول انجامید. من از طبقه و خانواده‌ای متوسط به تهران آمده بودم و پس از درک و شناختی ابتدایی از جناب بسته‌نگار متوجه شدم که او هم به همین طبقه تعلق دارد و این موضوع تجانسی ایجاد کرد که رابطه ما دو نفر را به رابطه‌ای عمیق بدل نمود. از نظر اخلاقی نیز ما شباهت‌های بسیاری به هم داشتیم. محمد بسته نگار که در وسط شهر تهران یعنی خیابان فرهنگ زندگی می‌کرد مردی بود بسیار ساده و بی آلایش و البته از تهرانی‌های اصیل و با اخلاق. او بسیار به اصول اخلاقی که مبتنی بر اصول اسلامی بود پایبند بود و این شیوه و منش را تا پایان عمر حفظ کرد و هرگز ذره‌ای از آن عدول نکرد. محمد بسته‌نگار دغدغه‌هایی داشت که شاید دغدغه تمامی نزدیکان آیت‌الله طالقانی به‌عنوان شاگرد بود. دغدغه مردم و آزادی اصلی‌ترین آنها بود و او همیشه نسبت به گرفتاری‌های مردم در دوران مختلف واکنش نشان می‌داد و چاره را در رجوع به قرآن و نهج البلاغه می‌دانست و ذهنی داشت برآمده و تربیت شده اسلام که آبشخور آن همگی از مسجد هدایت می‌آمد. ایشان زمانی که دانشجو بودند چندین بار به زندان افتادند و لیسانس گرفتنشان هم به همین دلیل سال‌ها طول کشید و طبیعی است که دغدغه‌شان در همین مسأله حقوق هم بود. ما همیشه به ایشان انتقاد می‌کردیم که با وجود حافظه بسیار قوی و سطح مطالعات وسیع در این حوزه، هرگز خروجی مبتنی بر تألیف و... نداشتند تا اینکه از حدود ۲۰ سال پیش خوشبختانه دست به تألیف و ترجمه زدند و نتیجه آثاری مهم همچون «حقوق بشر از منظر اندیشمندان» بود که کتابی است بسیار بی‌نظیر. همان‌طور که همه می‌دانند ایشان داماد آیت‌الله طالقانی بودند و بسیار تحت تأثیر تفکرات ایشان و جزو دومین گروه از اعضای نهضت آزادی بودند که به همراه عباس رادنیا و سیدمصطفی مفیدی به زندان افتادند. او در زندان هم به بسط و گسترش آثار آیت‌الله طالقانی مشغول بود و تا آنجا که می‌دانم علم اصول را هم نزد ایشان فرا گرفت. پس از زندان هم (فکر می‌کنم سال ۴۶-۴۷ بود) که از دختر آیت‌الله طالقانی خواستگاری کرد و طبعاً با موافقت ایشان داماد این خانواده شدند و عمری گذاشتند تا مجموعه مقالات ایشان را با عنوان «مناره‌ای در کویر» منتشر کنند.

نکته پایانی درباره مرحوم بسته‌نگار این است که این یار عزیز آیت‌الله طالقانی فردی بسیار مقاوم بود و چه در زندان و چه بیرون از زندان لحظه ای از آنچه اعتقادش بود، عدول نکرد و با سعادت و عزت زندگی کرد. از درگاه پروردگار خواهانم که زندگی اخروی ایشان نیز همین باشد.

حرف مفتی به اسم دعوای اصولگرا و اصلاح‌طلب

فـوبیـای اجتماعی

طنـــز

شهاب پاک‌نگر

اخیراً جناب آقای مجتبی ذوالنوری نماینده محترم مجلس یک مصاحبه انجام دادند. ما چند نکته گهربار پیرامون حرف‌های ایشان پیدا کردیم که بهتر است نه فقط دولتی‌ها بلکه تک‌تک مردم آویزه گوش‌شان کنند.

الف) آقای ذوالنوری یکی از افرادی هستند که شدید پیگیر سؤال از رئیس جمهورند. یعنی با توجه به اخباری که پیرامون ایشان منتشر می‌شود ما حس می‌کنیم، آقای ذوالنوری صبح از خواب بیدار می‌شوند می‌گویند «پس این سؤال از رئیس جمهوری چی شد؟!» بعد ظهر یکی دوبار این جمله را تکرار می‌کنند. قبل از شام هم همین دغدغه را با جدیت طرح می‌کنند. حتی حدس می‌زنیم شب‌ها هم یکی دوبار از خواب می‌پرند و می‌گویند «ما باید از رئیس جمهوری سؤال کنیم!» و بعد یک لیوان آب می‌خورند و می‌خوابند.

ب) ایشان در مصاحبه اخیرشان اشاره کردند که «دعوای اصولگرا و اصلاح‌طلب حرف مفت است». بعد کلی به اصلاح‌طلبان و دولت باهم توپیدند. با این تفاسیر ما حس می‌کنیم که دعوای اصلی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلب‌ها نیست. الان دعوا سر این است که کدام طیف اصولگرا بیشتر می‌تواند اصلاح‌طلبان را هدف قرار دهد و با این تفاسیر فکر کنیم در ادامه رقابت‌ها آقای ذوالنوری با رکورد سی مصاحبه علیه دولت در روز، گردن‌آویز طلای این رشته را از آن خودشان کنند.

ج) در یکی از بخش‌های مصاحبه‌ای که آقای ذوالنوری عزیز داشتند اشاره کردند «روحانی پنج سال پیش همه هنرشان گفتار درمانی بوده» و بعد از این موضوع گلایه داشتند. ما گلایه ایشان را بر حق می‌دانیم اما فکر می‌کنیم که رئیس جمهوری فعلاً دارند در حوزه گفتار کار می‌کنند تا کم کم وارد حوزه رفتار درمانی و بقیه چیزها شوند. بالاخره مراحل هر نوع درمانی باید طی شود. شما حساب کنید دولت پنج سال قبل توانست کاری کند که اگر با یک کشوری مشکل داریم از دیوار سفارتش بالا نرویم. قاعدتاً این دوره درمان باید کامل شود تا بقیه مراحل درمانی هم جواب دهد.

د) این نماینده محترم مجلس در جایی گلایه داشتند که هرجا از دولت انتقادی می‌شود، دولت سریعاً آن را سیاسی می‌کند. ما هم این نقد را قبول داریم. واقعاً دولت چرا آنقدر کم طاقت شده؟! حالا گیریم که چهارتا انگ سیاسی و برچسب امنیتی هم به کل کابینه بچسبانند، دولت چرا باید همه چیز را سیاسی برداشت کند. واقعاً این دولت می‌خواهد کجای کار را بگیرد؟ اصلاً این دولت چرا در انتخابات شرکت کرد که الان طیف رقیب مجبور شود آنقدر به آنها آسیب بزند؟

به بهانه برپایی نمایشگاه آثار پرویز تناولی و شاگردانش

آموزگار، سختکوش و جست‌وجوگر

تنـدیس

حسین گنجی

بدیهی‌ترین معضل هنر تجسمی به قول نوربرت لینتن این است که می‌تواند با یک نگاه دیده شود. یک کتاب یک نمایش یک شعر یک موسیقی همه پیش از اینکه بخواهیم درباره‌شان داوری کنیم مدت زمانی توجه ما را به خود جلب می‌کنند. اما یک مجسمه یا یک نقاشی یا عکس را بی‌درنگ مورد قضاوت قرار می‌دهیم. حتی به خاطر این موضوع به خود می‌بالیم که می‌توانیم تأثیر آنی کاری را که دوست داریم بستاییم و کارهای دیگر را به خاطر آنکه با من حرف نمی‌زند طرد کنیم. از همین رو هنر تجسمی همواره برای تثبیت و توجه نیازمند پرورش دو مفهوم است که یکی توسط هنرمند و دیگری توسط مخاطب باید جان بگیرد. از طرف مخاطب نیازمند ایمان یا به یک نوعی صبوری است تا چشم‌ها را به نگاه‌های بعدی دعوت کند، تا در نهایت حرفش را بزند و از جانب هنرمند و خالق اثر، نیازمند محتوا یا معناست تا در درون خود چیزی نیز برای عرضه و کشش و تأمل داشته باشد. مفهوم یا حرفی که در تأمل به دست آید و در صبوری کشف شود و در ایمان و اعتمادی که جلب می‌کند بارور شده و خود را از زیر یوغ سنگین تک بعدی گرایی و سطحی نگری بیرون بکشد. پرویز تناولی نمونه بارز هنرمندی است که توانسته این دو نگاه را با وجود کانسپت‌های دشواری که برای نمایش برمی گزیند کنار هم جمع کند و هم مؤمنانی را به خود جلب کند و هم نگره و «آن» خود را در اثر جانمایی کند. او بدرستی مسیر سخت اعتمادسازی نسبت به هنر مدرن را در ایران طی کرده است و اکنون با تعداد بی‌شماری از شاگردانی که تربیت کرده است، از یک طرف مفاهیم دشوار و فراموش شده را ساده‌سازی و تصویرسازی کرده و از فراسوی کلمات و اشکال، مشتاقانی را به هنر مدرن، آموزگارانه و طی سالیان پرورش داده است. پرویز تناولی چند ویژگی بارز دارد که در صدر آن می‌توان به روحیه بی‌وقفه جست‌وجوگری ایشان اشاره کرد. او طی سال‌ها و جست‌وجوی همزمان در میان ادبیات و داستان‌های پراسطوره کهن، به‌صورت فیزیکی نیز کل ایران را جست‌وجو کرده است و تمامی دست سازه‌های ایرانی را که گاهی به‌صورت اشیای زینتی و گاهی به‌صورت ابزارهای کاربردی بوده‌اند، گردآورده و پیرامون شکل و فرم و جنس هر کدام تحقیق کرده است. از همین روست که با اشیای فلزی گاهی بی‌ارزش شخصیت‌های اسطوره همچون شیرین و فرهاد را باورپذیر و زمینی و اکنونی خلق می‌کند یا از دل مفاهیم کهن ایرانی هیچ را تجسمی می‌بخشد که در تواتر شکل و فرمی و متریالی حتی، معانی مستترش بیرون می‌زند. ویژگی دیگر تناولی آموختن از و آموختن به دیگران است. او در عین حال که همواره در حال آموختن است، هرگز بدون شاگردانش او را نمی‌بینید و چه در کارگاهش و چه در وقت نمایش و گالری در کنار شاگردانش است. اگر به نمایشگاه اخیر «۴۰ سال، ۴۰ هنر آموخته» که در گالری آرت سنتر تهران برقرار است، بروید، بخوبی این را مشاهده خواهید کرد. شاگردانی که در میانشان هر چند انگشت‌شمار، تناولی‌های جوان قابل ردیابی هستند. ویژگی دیگر تناولی در استقامت و سختکوشی اوست. پرویز تناولی همواره پرونده‌های باز بی‌شماری دارد که هر بار که او را ملاقات کنید در حال کار کردن روی یک کتاب تازه، یک موضوع یا مجموعه تازه‌ای است. هنرمندی که اکنون در سن هشتاد و یک سالگی نیز از تفریح تا استراحتش هدفمند و در چارچوب دغدغه‌هایش است و همزمان چندین پروژه از ساخت تا نمایش تا تولید محتوا را در دست دارد و مرتباً در حال تجربه‌های تازه، چه در متریال و ساخت و چه در موضوعات و شکل ارائه است.

عکس: ایرنا

نمایشگاه آثار پرویز تناولی و چهل نفر از شاگردانش با عنوان «هیچ و همه» از جمعه پانزدهم تیرماه، در گالری باغ کتاب تهران برپا شده و تا نیمه مرداد ادامه دارد.

سومین دوره جام باشگاه‌های کتابخوانی آغاز شد

جامی برای کتاب

یادداشت

ابراهیم حیدری
دبیر رویدادهای ترویج کتابخوانی

یک: دبیرخانه سومین دوره جام باشگاه‌های کتابخوانی فعالیتش را آغاز کرد. این ایام با برگزاری نشست‌های آموزشی برای استادان، مربی‌ها و تسهیلگران فعال در باشگاه‌های کتابخوانی آماده می‌شویم تا اول مهرماه همزمان با شروع سال تحصیلی جدید به استقبال فعالیت چند هزار باشگاه کتابخوانی در بیش از هفتصد شهر و روستای ایران برویم. اولین دوره جام باشگاه‌های کتابخوانی با حضور پانزده شهر نامزد کسب عنوان «پایتخت کتاب» راه‌اندازی و در این پانزده شهر، دو هزار باشگاه کتابخوانی با بیست هزار عضو تشکیل شد. در دومین دوره جام باشگاه کتابخوانی در صد شهر و روستا پنج هزار باشگاه و با شصت هزار عضو برگزار شد. هر سال نسبت به سال قبل استقبال از این رویداد بسیار بیش‌تر بوده است و در سومین دوره هم تاکنون هفتصد شهر و روستای کشور برای حضور در این جشن ملی کتابخوانی اعلام آمادگی کردند و پیش‌بینی می‌کنیم این دوره شمار کتابخوان‌های عضو باشگاه کتابخوانی به یکصد هزار نفر برسد. در دوره‌های پیش افراد عضو باشگاه کتابخوانی تا سقف پنجاه‌هزارتومان با تخفیف پنجاه درصد می‌توانستند کتاب بخرند، انتظار داریم این دوره سقف خرید افزایش پیدا کند. فعالیت‌های جام باشگاه کتابخوانی در چهار بخش رقابتی «بهترین نامه به نویسنده»، «بهترین باشگاه کتابخوانی»، «بهترین فیلم موبایلی» و «بهترین کتاب از نگاه کودکان» برگزار می‌شود. پس از بررسی آثار در شهرستان، ایده‌های برگزیده به استان راه پیدا می‌کنند و در نهایت آثار برگزیده استانی در سطح کشوری رقابت می‌کنند و برگزیده‌های نهایی هر بخش در مراسم پایانی سومین دوره جام باشگاه‌های کتابخوانی در اسفندماه معرفی خواهند شد.

دو: در آغاز فعالیت جام باشگاه‌های کتابخوانی گمان نمی‌کردیم، این ایده نامتعارف در ترویج کتابخوانی با چنین استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شود. در فضایی که معمولاً نهادهای مختلف دولتی و شهروندان به انجام فعالیت‌های ترویج کتابخوانی از سوی دولت و نهادهای دولتی عادت کرده بودند، ما بر آن شدیم با جلب مشارکت‌های مردمی، تشکل‌های مردمی و نهادهای خصوصی و غیر دولتی راهی دیگر را در ترویج و رونق و گسترش کتابخوانی پیش بگیریم. مجموعه رویدادهای «پایتخت کتاب»، «روستاها و عشایر دوستدار کتاب»، «تقدیر از مروجان کتابخوانی» شکل گرفت و از دل آن رویدادها و برنامه‌ها، به ایده و اجرای «جام باشگاه‌های کتابخوانی» رسیدیم. با توجه به سیاست‌ها و وعده‌های رئیس جمهوری حسن روحانی مبنی بر واگذاری فعالیت‌های فرهنگی به مجامع صنفی فرهنگ و جلب مشارکت مردمی در پیشبرد فعالیت‌های فرهنگی، ما از همان آغاز برنامه‌های ترویج کتابخوانی، دنبال واگذاری کامل فعالیت‌ها به نهادها و تشکل‌های مردمی و مجامع صنفی بودیم.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با «ایران»:

پیگیر حال نجیب مایل هروی هستم

گزارش

«ایران»: نجیب مایل هروی پژوهشگر که از چند مدت پیش در بیمارستان روانپزشکی ابن‌سینا مشهد بستری شده در حال حاضر تحت مراقبت و درمان است. محسن جوادی معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به گزارشگر روزنامه ایران گفت: «من الان در مشهد هستم، از بیماری ایشان اطلاع یافتم و با فرزندش درباره حال او صحبت کردیم. مشکلی برای تأمین هزینه‌های درمان این پژوهشگر نیست. امیدواریم درمان و معالجه زود کارگر شود و بهبودی کامل حاصل شود.» محمدابراهیم شریعتی، ناشر افغانستانی مقیم ایران نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر از قول مساعد سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تأمین هزینه‌های درمان نجیب مایل هروی افغانستانی مقیم ایران خبر داده است. بر اساس گزارش خبرگزاری مهر، عارضه نجیب مایل هروی روانی است و متأثر از اختلال در فعالیت غدد این پژوهشگر و نویسنده است.

نجیب مایل هروی سال ۱۳۲۹ در هرات به دنیا آمد و دهه پنجاه از افغانستان به ایران مهاجرت کرد. عمده پژوهش‌های او در زمینه عرفان و نسخ خطی بوده است و تاکنون به قلم این پژوهشگر ده‌ها کتاب و مقاله تدوین و منتشر شده است. زمستان سال ۱۳۹۵ از این پژوهشگر در پانزدهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی تقدیر شد. اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان در پیامی به مناسبت این برنامه درباره نجیب مایل هروی گفته بود:«دانشمند نام آشنای کشور ما جناب استاد نجیب مایل هروی، مردی از تبار فرزانگان و فرهیختگان که خدمات ستودنی و ماندگار ایشان مرزهای زادگاه ایشان هرات و افغانستان را درنوردیده و سراسر این حوزه تمدنی را مدیون و مرهون زحمات خویش ساخته است. میراث گرانسنگی که از نیاکان و بزرگان ما چون مولانا بلخی، سنایی غزنوی، ناصرخسرو قبادیانی، خواجه عبدالله انصاری هروی، جامی هروی، فردوسی طوسی، سعدی و حافظ شیرازی و دیگر نام‌آوران میهن این پهنه بزرگ فرهنگی به ما رسیده است، این تداومی که یافته، نبوده جز با کوشش و همت مردانی چون استاد مایل هروی و همگنان ایشان که زندگی پر بار خود را وقف خدمت به این میراث ارجمند کرده‌اند.»

خبر آخر

علی نصیریان به عیادت جمشید مشایخی رفت

جمشید مشایخی چند روز پس از ترخیص از بیمارستان به‌دلیل ایجاد ضعف و مشکلات گوارشی دوباره در بخش آی‌سی‌یو ایزوله بستری شد. دیروز علی نصیریان بازیگر قدیمی و رئیس جشن خانه سینما با حضور در بیمارستان از این هنرمند عیادت کرد. جمشید مشایخی از سال گذشته، چندین بار به‌دلیل عمل جراحی در بیمارستان بستری شده و دوران نقاهت طولانی را پشت سر گذاشته است. سام مشایخی درباره شرایط جسمانی پدرش می‌گوید: مشکلاتی هم در روده ایشان دیده شده است که احتمال جراحی برای آن وجود دارد. پدر حدود چهار روز بود که نتوانسته بودند چیزی بخورند اما الان حالشان بهتر است و امکان خوردن غذاهای سبک برایشان به وجود آمده است. او از ماندگارترین چهره‌های عرصه بازیگری و متولد ۶ آذر ۱۳۱۳ در تهران است. از سال ۱۳۳۶ با نمایش «وظیفه پزشک» فعالیت بازیگری‌اش را آغاز کرد و با فیلم کوتاه «جلد مار» در سال ۴۲ مقابل دوربین رفت، دو سال بعد با فیلم «خشت و آینه» وارد سینما شد.

گفت‌وگو با پدر پس از فقدانش

روایت دوم شخص مداخله گر

پیشنهاد

مهدی جمشیدیان
منتقد ادبی

رمان «پدر حضانتی» نوشته دیدیه ون کولارت است که بنفشه فریس آبادی آن را ترجمه و نشر چشمه در زمستان ۹۶ به چاپ سپرده است. «پدر حضانتی» داستان پسری است که پس از مرگ پدرش روابط بین شان و زندگی خود و پدر را روایت می‌کند. روایتی واقع گرایانه از پدری فقید و نقشش در ساختن شخصیت فرزندی که با وجود تمام کاستی‌ها و اتفاقات خوب و بد، به داشتن چنین پدری افتخار می‌کند. نکته خاص و بارز داستان استفاده از راوی دوم شخص برای روایت تمام قصه است. زاویه دید دوم شخص به نظر برخی تئوریسین‌های ادبیات، تکنیکی برای روایت اول شخص است با این تفاوت که در آن ضمیر «تو» جایگزین «من» می‌شود. در این شیوه روایت، خواننده به یکی از شخصیت‌های داستان بدل شده و فاصله میان خواننده و داستان از بین می‌رود. به عقیده ریچاردسون، زاویه دید دوم شخص پیشرفتی نو و هیجان انگیز در دنیای ادبیات داستانی است و شاید پس از جریان سیال ذهن، مهم‌ترین شیوه نوین روایی در داستان محسوب شود.

در رمان «پدر حضانتی»، نویسنده از نام خود در داستان استفاده می‌کند و راوی دوم شخص مداخله گر را برای روایت داستان برگزیده است که به نوعی رمان را به اتوبیوگرافی تبدیل می‌نماید. با این انتخاب هوشمندانه ودرعین حال مشکل، راوی سعی در تلطیف فضای میان متن و خواننده و برقراری ارتباط بیشتر با مخاطب دارد. مخاطب ضمیر «تو»، پدر فقیدش است. بیان قصه‌های مختلف کمی از انسجام کلی رمان کاسته اما در مواردی موجب همذات پنداری خواننده با روابط پدری و پسری حاکم بر فضای داستان می‌شود.

مجازستان

■ **تعقیب قضایی**

یک کاربر فضای مجازی تلاش برخی فعالان معاندان نظام در خارج از کشور برای «دامن زدن به نفرت دینی» در کشور را محکوم کرد. این کاربر افزود: بر اساس قوانین لیبرال غربی چنین اقدامی جرمی قابل تعقیب است، آیا عامل ارتکاب آن در امریکا به دادگاه فراخوانده می‌شود.

■ **تهدید درون حزبی**

تهدید رقبای حزبی علیه یکدیگر برای افشاگری درباره سوابق و پرونده فساد مالی و اخلاقی مورد توجه برخی کاربران فضای مجازی قرار گرفت. برخی این سؤال را مطرح کردند که اگر همکاران درون حزبی شما فساد مالی و اخلاقی داشتند، چرا تاکنون سکوت کرده بودید و اکنون که منافع شخص تهدید شده قصد افشاگری دارید. از دیدگاه این کاربر، جریان‌های سیاسی با پاکسازی و سلامت فعالان خود می‌توانند به موفقیت در آینده امیدوار باشند.

■ **پاسخگویی تناقض‌ها**

یکی از کاربران فضای مجازی نوشت: دادگاه شیرخشک‌های فاسد، تجاوز در ایرانشهر و تعرض در مدرسه‌ای در تهران غیرعلنی برگزار می‌شود، اما در ارتباط با دختری ۱۷ ساله که برنامه‌هایش را در اینستاگرام با دنبال‌کننده محدود ارائه کرده بود، برنامه تلویزیونی پخش می‌شود. چه فردی پاسخگوی تناقض هاست؟